



سنجش و ارزشیابی شخصیت

مؤلفان:

دکتر علیرضا آقاییوسفی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

دکتر عبداللہ مفاخری

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

سرشناسه	: آقابوسفی، علیرضا، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: سنجش و ارزشیابی شخصیت / مولفان علیرضا آقابوسفی، عبدالله مفاخری.
مشخصات نشر	: تهران: آذرین مهر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۸۴-۳۷-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: شخصیت‌سنجی
شناسه افزوده	: مفاخری، عبدالله
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱۹۷۷/۶۹۸/۵BF
رده بندی دیویی	: ۱۵۵/۲۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹-۹۲۶۶

کلیه حقوق چاپ و نشر برای
انتشارات آذرین مهر محفوظ می باشد



عنوان کتاب: سنجش و ارزشیابی شخصیت
مولف: دکتر علیرضا آقابوسفی - عبدالله مفاخری
ناشر: آذرین مهر
ناظر فنی چاپ: ایراهیم مفاخری
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۸۴-۳۷-۲
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان
تیراژ: ۱۱۰۰

تهران: خیابان انقلاب - خیابان وحید نظری بین فخر رازی و دانشگاه پلاک ۶۵ طبقه اول واحد ۲ - انتشارات آذرین مهر

۰۲۱-۶۶۹۷۸۰۲۹-۳۰

فروشگاه شماره یک: میدان انقلاب، ضلع جنوب شرقی، روبروی ایستگاه BRT، بازار بزرگ کتاب، طبقه زیرین پلاک ۲ بانک کتاب
سخنکده ارسال انواع کتاب به تمام نقاط ایران ۰۰۰-۶۶۴۰۸۰۰۰-۲۱ (خط ۱۰)

فروشگاه شماره دو: میدان انقلاب ضلع جنوب شرقی کتابفروشی گلچین ۰۹۱۲۷۰۶۱۶۹۷

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۸	ارزیابی های غیر علمی از شخصیت
۱۲	ارزیابی علمی شخصیت
۱۲	تعریف ارزشیابی شخصیت
۱۳	تاریخچه آزمونهای روانی
۱۶	چرا شخصیت ارزشیابی می شود؟
۱۷	روشهای ارزیابی شخصیت
۱۷	مشاهده
۱۹	مصاحبه بالینی
۲۶	آزمون روانی
۲۸	ویژگی آزمون ها
۲۹	آزمون های عینی شخصیت
۳۰	آزمون های فراقکن
۳۲	آزمون وودورث
۴۱	آزمون شخصیت آیزنک (بزرگسالان)
۵۱	پرسشنامه شخصیتی مینه سوتا فرم کوتاه
۹۸	پرسشنامه ی شخصیتی نئو (NEO PI-R)
۱۰۹	پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ
۱۱۲	آزمون عزت نفس آیزنک
۱۱۶	پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت
۱۱۸	پرسشنامه سنجش سازگاری بل
۱۳۱	پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن (EQ-i)
۱۴۸	آزمون سلامت روان ۹۰ - SCL

۱۶۱.....	پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-28)
۱۶۶.....	پرسشنامه افسردگی بک
۱۷۵.....	آزمون اضطراب کتل
۱۹۱.....	آزمون پرخاشگری باس
۱۹۳.....	پرسشنامه سبک هویت (ISI-6G)
۱۹۶.....	آزمون رضایتمندی زناشویی Enrich
۲۰۳.....	پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبمرگ - راست
۲۱۰.....	پرسشنامه هوش معنوی ۲۹ سوالی
۲۱۴.....	آزمون دینداری تلارک
۲۲۶.....	آزمون هوش فرهنگی انگ
۲۳۰.....	نسخه کوتاه پرسشنامه طر سواره بانگ
۲۴۱.....	پرسشنامه ۱۶ عاملی کتل
۲۷۴.....	آزمونهای فرافکن
۲۷۶.....	ویژگیهای آزمونهای فرافکن
۲۷۷.....	طبقه بندی آزمونهای فرافکن
۲۷۸.....	آزمون همخوانی واژگان یونگ
۲۸۲.....	آزمون لکه های جوهری رورشاخ
۲۹۶.....	آزمون اندر یافت موضوع TAT
۲۹۹.....	آزمون اندریافت کودکان CAT
۳۱۱.....	آزمون بندر - گشتالت
۳۱۷.....	آزمون نقاشی خانواده DAF
۳۲۳.....	نقاشی جنبشی خانواده
۳۲۵.....	آزمون جملات ناتمام راتر

پیشگفتار

مطالعه بنیادی درباره مؤلفه‌های شخصیت و تأثیر آن در حوزه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری افراد مورد توجه فزاینده محققان بوده است. از جمله شعب مهم دانش بشری، شناسایی حالات نفسانی یا روان شناسی است. دانشمندان و محققان از روزگارهای قدیم به این جنبه از وجود آدمی توجه کامل داشته اند و در آراء هندیان و رومیان و یونانیان باستان مطالب بسیار در این زمینه می توان به دست آورد. از طریق شناخت شخصیت و تبیین آن می توان به صورت علمی رفتارهای انسان را توصیف و تبیین و به آنان کمک کرد از بسیاری رفتارهای ناسازگار، کجروانه و اختلالات روانی پیشگیری و البته درمان کرد و همچنین انسان را بیشتر شناخت و در واقع خود را بیشتر شناخت تا به فلسفه مهم شناخت خود، سپس شناخت خدا و در نهایت سعادت و آرامش روحی که هدف آرمانی بشر است برسیم. «شخصیت» یک «مفهوم انتزاعی» است، یعنی چیزی مثل انرژی در فیزیک است که قابل مشاهده نیست، بلکه آن از طریق ترکیب رفتار (Behavior)، افکار (Thoughts)، انگیزش (Motivation)، هیجان (Emotion) و ... استنباط می‌شود. شخصیت باعث تفاوت (Difference) کل افراد (انسانها) از همدیگر می‌شود. اما این تفاوتها فقط در بعضی «ویژگیها و خصوصیات» است. به عبارت دیگر افراد در خیلی از ویژگیهای شخصیتی به همدیگر شباهت دارند. بنابراین هدف همه یافته های روانشناسی دستیابی به شخصیت است. به این ترتیب به کار بردن اصطلاح " روانشناسی شخصیت " نادرست خواهد بود. شخصیت حیطه جداگانه ای از روانشناسی (مثل روانشناسی تحول، روانشناسی بالینی و مانند آن) نیست، بلکه روانشناسی به عبارتی " شخصیت شناسی " است. شخصیت را باید از تفرد متمایز کرد. تفرد عبارت از متمایز شدن به عنوان یک شخص منحصر به فرد است. تفرد فرایند تمایز از یک گونه مشابه است. فرایندی که سرانجام فرد را غیر قابل تقلیل به هر فرد

دیگر می‌کند. این در حالیست که شخصیت هم جنبه‌های مشترک و هم جنبه‌های تفاوت از دیگران را در نظر می‌گیرد و ضمناً، نه تنها مفهوم همسانی فرد در طول زمان را با خود دارد، بلکه سرچشمه درونی آن (صادر شدن پاسخها از موجود زنده) را در بر می‌گیرد. در واقع، تفرد فرایندی سودمند در درک یکتایی شخصیت است. بنابراین شخصیت را می‌توان از این جهت که «چگونه مردم با هم متفاوت هستند؟» و از جهت این که «در چه چیزی به همدیگر شباهت دارند؟» مورد مطالعه قرار داد.

هر جامعه برای آنکه بتواند در قالب فرهنگ معینی زندگی کرده، ارتباط متقابل و موفقیت آمیزی داشته باشد، گونه‌های شخصیتی خاصی را که با فرهنگش هماهنگی داشته باشد، پرورش می‌دهد. در حالی که برخی تجربه‌ها بین همه فرهنگها مشترک است، بعید نیست که تجربیات خاص یک فرهنگ در دسترس فرهنگ دیگر نباشد سه منبع عمده برای دست یابی به داده‌های شخصیتی وجود دارد: الف) خودگزارشگری شخص، ب) گزارش دوستان و نزدیکان شخص، ج) ارزشیابی شخص توسط یک متخصص. مقیاسهای زیادی وجود دارند که شخص باید جملات یا عباراتی را بخواند و بعد تعیین کند که هریک از آنها درباره او صدق می‌کند یا خیر؟ اصل نخستین در باره این نوع روشهای کشف شخصیت، داوطلب بودن و صداقت اشخاص است. حتی می‌توان داده‌های لازم را از زندگی نامه خود نوشته شخص استخراج کرد. ارزشیابی شخصیت در واقع دو هدف عمده را در نظر دارد: اول دانشجویان را به این نکته واقف سازد که شناسایی خود و دیگران بسیار لازم و تحصیل در این رشته طبق قوانین علمی صورت گیرد و دوم آن که می‌خواهند در رشته روان شناسی تخصص یابند باید این محکم در این علم به دست آورند.

در این کتاب بر ارزشیابی شخصیت از طریق آزمونها تاکید شده است اما چنانچه اشاره شد آزمونها فقط یکی از راههای ارزشیابی شخصیت می‌باشند. دانشجویان باید همواره

این نکته را در خاطر داشته باشند که آزمون‌ها ابزاری در دست متخصص هستند نه برعکس. یعنی متخصص نباید صرفاً به داده‌های یک پرسشنامه برای تحلیل شخصیت اکتفا کند بلکه باید از منابع دیگر ارزشیابی شخصیت نیز استفاده کافی کند. امیدواریم تلاش‌هایمان برای استادان و دانشجویان محترم مفید واقع شود. پیشنهادات و انتقادات شما را با نهایت اشتیاق پذیرا هستیم.

مولفان

تابستان ۱۳۹۱

مقدمه

شیوه هایی که مردم بر اساس آنها عمل یا رفتار می کنند، همواره مورد توجه بوده است. این گونه رفتارها احتمالاً برای خانواده ها، دوستان و همسایگان پیامدهای مستقیمی دارد و طبعاً از دید آنها حایز اهمیت زیادی است. علاوه بر این، اکثر ما دوست داریم احساس کنیم که حداقل از یک درک کلی نسبت به رفتار آدمی برخورداریم. بنابراین، پروراندن قابلیت‌ها و تواناییهای افراد، به منظور درک و پیش بینی رفتارهای خود و دیگران، هم از نظر شخصی و هم از نظر اجتماعی، اهمیت وافری دارد.

ارزیابی شخصیت، موضوعی است که افراد زیادی را مجذوب خود می‌کند، تا بدان‌جا که هزاران آزمون شخصیت وجود دارد و صدها کتاب درباره آن نوشته شده است. ما دائماً در حال ارزیابی غیررسمی شخصیت هستیم. در انتخاب دوست، شناخت همکاران آینده، انتخاب داوطلبان مشاغل سیاسی و انتخاب همسر. برداشتهای اولیه ما ممکن است تحت تأثیر یک جنبه خاص قرار بگیرد. این گرایش به سوگیری در قضاوت را "اثر هاله‌ای" می‌نامند. گاهی برداشت اولیه ما ممکن است تحت تأثیر تصور قالبی ما از ویژگی‌های منتسب به گروه خاصی قرار بگیرد که شخص به آن تعلق دارد. گاهی هم شخصی که مورد ارزیابی قرار می‌گیرد "حفظ ظاهر" می‌کند. بنا به این دلایل و شواهد دیگر، ارزیابی غیررسمی از دیگران ممکن است به خطا برود. در بسیاری موارد باید ارزیابی عینی‌تری از شخصیت صورت گیرد که عاری از سوگیری باشد. (هیلگارد، ۱۳۸۷).

شناخت عینی جنبه‌های غیرشناختی افراد فایده عملی بسیار زیادی دارد. این جنبه‌ها تا اندازه‌ای بازده استعدادهای ذهنی را تعیین می‌کنند و توصیف رفتار انسان در موقعیت‌های متغیر زندگی را نیز امکان‌پذیر می‌سازند. این جنبه‌ها مخصوصاً باید در راهنمایی شغلی و راهنمایی تحصیلی به حساب آیند؛ چیزی که اغلب به دست فراموشی سپرده می‌شود. در واقع نوع فعالیت اساسی هر چه باشد، کل وجود او در انجام آن دخالت می‌کند. بنابراین اگر در سازگاری فرد با فعالیت‌های شغلی، تنها استعدادهای ذهنی و توانایی‌های جسمی او را در نظر بگیرند، کاری نادرست و غیرعلمی خواهد بود. شناخت شخصیت در بسیاری از موارد موجب روشن شدن علل بیماری‌های روانی، چگونگی گسترش و تجلیات آنها می‌شود. به همین دلیل آزمون‌های شخصیت در کلینیک‌های روان‌پزشکی کاربرد فراوانی دارد. ارزیابی شخصیت یک بزهکار می‌تواند علل بزهکاری را روشن سازد و سازگاری مجدد او را آسان‌تر کند. بنابراین، برای قضاوت درباره انواع مختلف بزهکاران می‌توان از آزمون‌های شخصیت بهره گرفت (گنجی، ۱۳۷۷).

ارزیابیهای غیر علمی از شخصیت

طالع بینی، کف بینی، فال قهوه و مجسمه شناسی

چنین تصور می شود ریشه طالع بینی که کوششی برای پیش بینی وقایع کره زمین از طریق مشاهده ستاره های ثابت و سایر اجسام سماوی است، به ۲۵ قرن پیش در مسوپوتامیا^۱ بر می گردد. اعتقاد به ستارگان به عنوان خدایانی نیرومند در بین انسانهای اولیه به پیدایی این اندیشه انجامید که می توان امور مربوط به انسان را از طریق مطالعه سماوات پیش بینی کرد. بدین ترتیب، در آن زمان شخصیت و سیر وقایع زندگی هر فرد با مراجعه به یک طالع یا زیچ^۲ (یعنی، شکل بندی ستارگان در لحظه تولد) تعیین می شد. در کل ارزیابی شخصیت هر فرد با توجه به لحظه تولد وی و آرایه پیش بینی های مناسب بر اساس یکی از کتابچه های راهنما یا تقویمهای نجومی صورت می گرفت که بی شباهت به طالع بینی های جدیدی که هنوز در بسیاری از روزنامه ها یافت می شوند، نبودند. آگاهی گسترده ای که پیرامون جهان فیزیکی در خلال انقلاب علمی گسترش یافت، نقش مهمی در کاهش توجه جدی نسبت به طالع بینی داشت؛ اما با این حال، محبوبیت طالع بینی همچنان در میان مردم پایدار باقی مانده است.

این اندیشه که زندگی آدمی از قبل توسط وضعیت ستارگان در لحظه تولد تعیین می شود، اندیشه ای بس ساده و ابتدایی است؛ زیرا مطلقاً هیچ گونه شواهد معتبری دال بر رابطه بین زمان تولد و شخصیت وجود ندارد. پس چرا هنوز این اندیشه علی رغم مخالفت اکثریت متخصصان روان شناس از وجهه خاصی برخوردار است؟ یکی از دلایل تداوم این اندیشه اثر بارنوم^۲ است (که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت) و دلیل دیگر، به وجود جذابیتی بر می گردد که اندیشه های ماورای طبیعی یا کیهانی در میان مردم دارند. کتابهایی نظیر تأثیر نیروهای کیهانی بر رفتارهای انسان و ماوراءالطبیعه، با در کنار هم نهادن مفاهیم شبه علمی طالع بینی و معرفی آنها در قالب تخصص و پژوهش رسمی بر جذابیت آنها افزوده اند. شاید مناسبتر باشد که طالع بینی معاصر و زمینه های مشابه را به عنوان نوعی

^۱ - Mesopotamia / منطقه ای باستانی به نام بین النهرین در عراق که در گذشته محل سکونت سومریها و بابلیها بوده است.

^۲ - horoscope

^۲ - Barnum effect

صنعت تفننی در نظر بگیریم که قطع نظر از نکات دیگر، بر عرضه کلی و آرایه هر چیزی تأکید می‌ورزد که بازار فروش دارد.

کف بینی به تعیین خصوصیات فرد بر اساس تفسیر چین و چروکها و پستی و بلندیهای کف دست اشاره می‌کند. تصور بر این است که کف بینی به صورت یک نظام مدون از ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در کشور چین وجود داشته است، گرچه آغاز اولیه و ریشه های نظری آن در گذر تاریخ باستان محو شده است. در کف بینی به طرح کلی خطوط دست، برآمدگیهای آن یا بخشهای مخروطی شکل بین این خطوط اهمیت زیادی داده می‌شود. هر یک از این "علائم" به شکل خاصی تفسیر می‌شود. فقدان کامل هرگونه تبیین منطقی در خصوص استنباطها و تفسیرهای به عمل آمده و این آگاهی بدیهی که خطوط مخروطی شکل دستها و سایر خصوصیت آنها می‌تواند با تمرینهای فیزیکی تغییر کند، باعث می‌شود که کف بینی به عنوان یک روش خرافاتی و نوعی شیادی کنار گذاشته شود.

با این وصف، امروزه هنوز به راحتی می‌توان افرادی را یافت که ادعا می‌کنند متخصص این هنر باستانی هستند و حتی کتابهای راهنمای آموزش کف بینی در بسیاری از فروشگاهها و داروخانه ها عرضه می‌شوند. همچنین امروزه فال قهوه نیز در میان افراد ساده لوح از رونق برخوردار شده است، اما به راحتی می‌توان گفت این پدیده نیز ناشی از نیاز انسانها به امید و کنترل بیشتر بر اوضاع در شرایط بحرانی از طرق مختلف می‌باشد. عده ای با استفاده از تلقین پذیری افراد و بکار گیری شگردهای گوناگون مقبولیت خود را حفظ می‌کنند. به نظر می‌رسد که بخش عظیمی از موفقیت کار کف بین ها و فالگیرها به توانایی آنها در توجه به نشانه هایی مانند صدا، طرز کلی رفتار و نوع پوشش افراد مربوط است که در مقایسه با نشانه های کف دست یا سایر نشانه ها در ارزشیابی شخصیت اعتبار بیشتری دارند. احتمال دیگر این است که کف بین ها اظهار نظرهای کلی و پیش پا افتاده ای را مطرح می‌کنند (مانند "اگر چه شما نسبت به والدین خود محبت زیادی را نشان می‌دهید، ولی گاهی نیز با آنها شدیداً اختلاف پیدا می‌کنید.") که ممکن است درباره همه افراد مصداق داشته باشند.

میل^۱ (۱۹۵۶) اصطلاح اثر بارنوم را "برای مشخص کردن آن دسته از روشهای شبه موفق بالینی" مطرح کرد. در این روشها، توصیفهایی که بر اساس یکسری سؤالات از مراجع به عمل می‌آید، به دلیل ماهیت سطحی آنها به گونه ای طرح می‌شوند که تا اندازه ی زیادی با وضعیت مراجع منطبق باشد.

حتی وقتی این توصیفها در عین غیرسطحی بودن نادرست باشند، استنباطهای حاصل از آنها در لایه ادعاها و نفی وقایعی که به طور کلی در بین کل افراد جامعه متداول است، از نظر محو می شود.

تالنت^۱ این گونه ارزیابی شخصیت را خطای عمه فانی^۲ نامید، زیرا این ارزیابی عمدتاً اطلاعاتی را در بر می گیرد که می تواند در مورد عمه همه افراد صادق باشد. به همین دلیل، باید وجود اثر بارنوم یا عمه فانی را که به توصیفهای شخصیتی بسیار کلی و پیش پا افتاده می انجامد، همواره در نظر داشت.

جمع‌شناسی که هنر ارزیابی شخصیت از طریق اندازه گیری شکل ظاهری جمجمه انسان است، در اواخر قرون ۱۸ توسط فرانس ژوزف گال^۳ که یک پزشک و کالبدشناس آلمانی بود، رونق یافت. این کوشش تطبیقی نسبتاً جدید که به منظور گسترش نظام کاملی از اندازه گیری شخصیت صورت گرفت، بنا به دلایل چندین سرلوار بررسی دقیقتری است: الف) این نظام بر پایه فرضهای نظری منطقی چندین قرار دارد، ب) این نظام تا اندازه زیادی تجربی است و به همین دلیل از لحاظ علمی قابل بررسی است، ج) و علاوه بر این، سابقه جمع‌شناسی به اندازه کافی جدید است، به طوری که به راحتی می توان درباره آن شواهد نسبتاً کاملی را فراهم کرد.

بنابراین، جمع‌شناسی به عنوان یک علم آزمایشی که البته بر مفروضه های نادرستی مبتنی بود، به سطح یک فرقه شبه مذهبی نزول کرد. حوزه‌ای که نسبت به هر گونه بررسی شخصی یا اصلاحهای مبتنی بر داده های جدید عقیم بود. بدون شک، این تغییر در شی اعتبارسازی این حوزه که زمانی از وجهه زیادی برخوردار بود، نقش مهمی داشت.

استفاده از علایم فیزیکی ثابت در ارزیابی خصوصیات شخصیت هم در حوزه جمع‌شناسی و هم در حوزه کف بینی متداول است، به طوری که جستجو برای یافتن روابط روشن میان خصوصیات فیزیکی افراد و ویژگیهای روان شناختی آنها همانند پیگیری بی وقفه در خصوص رابطه بین مغز و بدن وجود داشته است. در ابتدا، این علاقه مندی در نظریه مزاجی^۴ که یک نظریه قدیمی در فیزیولوژی بود و تا قرون وسطی ادامه داشت، تجلی یافت. در این نظریه به چهار عنصر اولیه - یعنی، خن، بازم، صفرای زرد (زرداب) و صفرای سیاه (مالیخولیا) - استناد شده است. میزانهای خاصی از این عناصر چهارگانه در

^۱ -Tallent

^۲ -Aunt Fanny error

Franz Joseph Gall^۳
humoural theory^۴

افراد مختلف به شکل گیری "سیماهای شخصیتی" (ویژگیهای شخصیت)، خصوصیات فیزیکی و روانی و گرایشهای ارثی یگانه می انجامید. به همین دلیل، چنین ادعا شده بود که با تشخیص علایم فیزیکی مقادیر نسبی اخلاط چهارگانه در یک فرد به خصوص می توان تصویر متمایزی از شخصیت وی را به دست داد.

اگرچه سالهاست که درک کاملتر ما از فیزیولوژی بدن انسان به کنار گذاشتن نظریه اخلاط چهارگانه انجامیده است، ولی این فرض که شخصیت انسان بازتابی از کالبد جسمانی اوست، در کارهای جدید شلدون^۱ و همکاران وی تبلور یافته است. بین برخی از علایم فیزیکی (مانند رعشه و تعریق) و خصوصیات شخصیتی (مانند اضطراب) رابطه معناداری وجود دارد. اگرچه این رابطه کامل نیست، ولی می توان آن را در ارزیابی به کار برد. به نظر می رسد که این کوششهای نافرجام که بر علایم فیزیکی استوار بودند، در سراسر تاریخ حداقل یکی از ویژگیهای زیر را داشته اند: نخست، اتکا بر نظریه ای که در آن فرض می شود صفات شخصیت ناشی از خصوصیات فیزیکی خاص است و دوم، فقدان هرگونه رابطه منطقی بین علایم فیزیکی و خصوصیات شخصیت (نقشبندی ۱۳۸۵).

ارزیابی علمی شخصیت

تعریف شخصیت

شخصیت عبارتست از الگوی نسبتاً پایدار صفات^۱، گرایش‌ها و یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار فرد دوام می‌بخشد. (سید محمدی، ۱۳۸۴)

واژه شخصیت، معادل کلمه انگلیسی *personality* بوده که از کلمه *persona* اقتباس شده و به معنی نقاب یا ماسکی است که در یونان قدیم در میهمانی‌ها بر چهره می‌گذاشتند. این تعبیر تلویحاً اشاره به این مطلب دارد که شخصیت هر کسی، ماسکی است که او بر چهره خود می‌زند تا وجه تمیز او از دیگران باشد. بنابراین شخصیت عبارت است از مجموعه ویژگی‌های جسمی، روانی و رفتاری که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند. (کریمی، ۱۳۷۰)

تعریف ارزشیابی شخصیت

ارزیابی شخصیت به فرایند جمع‌آوری و سازمان‌بندی اطلاعاتی درباره یک فرد اشاره می‌کند و انتظار می‌رود که این اطلاعات به درک بهتری درباره وی منجر شود.

شناخت شخصیت یک فرد دیگر معمولاً شامل پیش‌بینی‌های چندی درباره رفتار آتی آن شخص است. از میان پیش‌بینی‌های احتمالی می‌توان به احتمال موفقیت شغلی در زمینه‌های مختلف، پاسخ احتمالی به انواع مختلف درمان‌های روانی یا احتمال بروز رفتارهای نامطلوب اجتماعی اشاره کرد.

ارزیابی شخصیت، یکی از حوزه‌های اصلی کاربرد روان‌شناسی در دنیای واقعی است. بعضی از روش‌های ارزیابی شخصیت؛ عینی^۲ و برخی نیز کاملاً ذهنی^۳ و مستند سنجی‌های شخصی هستند. نتایج اجرای آزمون‌های ذهنی گاهی به دلیل ویژگی‌های خاص شخصیت ارزیابی‌کننده تحریف می‌شوند. به همین دلیل اعتقاد بر این است که بهترین روش ارزیابی شخصیت باید دارای سه شرط پایایی، اعتبار و هنجاریابی باشد. (کریمی، ۱۳۷۰)

^۱ - traits

^۲ -objective

^۳ -subjective